

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۸۳
شماره ۴



۱۳۷۸ / ۵ / ۲

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و حقوق
گرایش / شاخه حقوق خصوصی

مرکز اخوان تدریس علمی ایران
تیمت مدرک

تابعیت مضاعف در دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحده

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما : جناب آقای دکتر حمید بهرامی احمدی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمد جواد صفقار

نگارش از: بابک فرهنگی

شماره دانشجویی: ۶۲۳۱۳۰۱۱۴

تاریخ: تیر ماه ۱۳۷۶

۳۳۶۸/۲

۲۵۸۱۴

دانشکده معارف اسلامی و ... حق ... و ... مسؤل عقایدی که

نویسنده در این پایان نامه اظهار نموده است، نمی باشد.

هر نوع استفاده از این اثر منوط به اجازه کتبی از دانشگاه می باشد.

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول - تابعیت مضاعف: تعریف، عوامل ایجاد، و روش های رفع تابعیت مضاعف ۲

تعارض تابعیت های فرد

بخش اول - تابعیت مضاعف، و عوامل بوجود آورنده آن ۸

مبحث اول - تعریف تابعیت مضاعف ۸

مبحث دوم - عوامل بوجود آورنده تابعیت مضاعف ۹

الف - صلاحیت انحصاری هر دولت در تنظیم قوانین تابعیت خود ۹

ب - تعارض میان قوانین دولت ها در خصوص تابعیت ۱۴

ج - سایر عوامل بوجود آورنده تابعیت مضاعف ۱۹

بخش دوم - رویه دولت ها در رفع تعارض تابعیت های فرد ۲۲

مبحث اول - روش های متعارف (سنتی) ۲۲

مبحث دوم - روش جدید دولت ها ۲۶

بخش سوم - تعارض تابعیت های فرد، و روش های رفع آن در محاکم و سایر مراجع ۲۹

مراجع حل اختلاف

مبحث اول - روش محاکم ملی دول متبوع فرد ۳۲

مبحث دوم - روش محاکم ملی دولت ثالث ۳۵

مبحث سوم - روش های محاکم و مراجع بین المللی ۳۸

الف - روش اعمال اولین تابعیت یا تابعیت سابق ۳۹

ب - روش ملاک قرار دادن آخرین تابعیت ۴۰

ج - روش نفی صلاحیت تصمیم گیری ۴۱

د - روش اعمال قانون شبیه تر به قانون دولت متبوع قاضی ۴۱

ه - روش اعتبار دادن به تابعیت انتخابی فرد ۴۲

۴۴	و - روش مبنای قراردادادن تابعیت کشور محل اقامت یا سکونت فرد
۴۷	ز - روش ترجیح تابعیت کشور فاتح
۵۲	بخش چهارم - نظریه تابعیت غالب (و مؤثر)
۵۵	مبحث اول - مؤثر بودن تابعیت
۵۷	الف - گذری بر آرای بین المللی
۵۷	۱- قضیه مدینا
۵۸	۲- قضیه فلوتی
۵۹	۳- قضیه نوته بوم
۶۵	مبحث دوم - نظریه تابعیت غالب
۶۷	الف - نقطه نظرهای حقوق دانان
۶۸	ب - جستارهایی از اسناد بین المللی
۷۰	ج - گذری بر برخی آرای بین المللی و نقد آنها
۷۰	۱- قضیه دراموند
۷۱	۲- قضیه ماسیانی
۷۳	۳- قضیه بارتز دو مونفور
۷۵	۴- قضیه تلش
۷۶	۵- قضیه کانه وارو
۷۹	۶- قضیه نوته بوم
۸۳	۷- قضیه استرانسکی - مرژه
۹۱	د - معیارهایی در زمینه تعیین تابعیت غالب
۹۵	بخش پنجم - قاعده (اصل) عدم مسئولیت دولت در قبال دعاوی اتباع خود
۹۸	مبحث اول - مبنای قاعده
۹۸	الف - اصل تساوی حاکمیت دولت ها

- ب - قاعدهٔ جلوگیری از سوء استفاده از حق
- ۱۰۰
- مبحث دوم - بررسی ادعای عرفی بودن قاعده
- ۱۰۲
- الف - اسناد بین المللی
- ۱۰۳
- ۱- طرح کنوانسیون هاوارارد در مورد مسئولیت دولت ها
- ۱۰۴
- ۲- عهدنامهٔ ۱۹۳۰ لاهه
- ۱۰۵
- ۳- قطعنامهٔ انستیتو حقوق بین الملل
- ۱۱۱
- ب - جستارهایی از آرای بین المللی
- ۱۱۶
- ۱- قضیهٔ اوصیای الکساندر
- ۱۱۷
- ۲- قضیهٔ پینسون
- ۱۱۹
- ۳- قضیهٔ اولدنبورگ
- ۱۲۰
- ۴- قضیهٔ هانی
- ۱۲۲
- ۵- قضیهٔ آدام و بلک مور
- ۱۲۳
- ۶- قضیهٔ ماتیسون
- ۱۲۳
- ۷- قضیهٔ سالم
- ۱۲۴
- ۸- اظهار نظر دیوان بین المللی دادگستری
- ۱۲۵
- ۹- قضیهٔ مصادرهٔ اموال اطریشی ها در رومانی
- ۱۲۶
- ۱۰- قضیهٔ استثنایی ویلت
- ۱۲۷
- ج - رویهٔ برخی از دولت ها
- ۱۲۸
- ۱- دولت آلمان
- ۱۲۹
- ۲- پاسخ کشورها به نظرسنجی انستیتو حقوق بین الملل
- ۱۳۰
- ۳- دولت ایالات متحدهٔ آمریکا
- ۱۳۰
- ۴- دولت ایتالیا
- ۱۳۳
- ۵- دولت بریتانیا
- ۱۳۴

- ۱۳۵ ۶- دولت سویس
- ۱۳۶ ۷- دولت فرانسه
- ۱۳۷ د - آرای حقوق دانان
- ۱۴۴ ه - تخصیص قاعده

فصل دوم - دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

و دعاوی دارندگان تابعیت مضاعف دو دولت :

دیدگاه‌های طرفین - تصمیم دیوان

بخش اول - فشرده‌ای از دیدگاه‌ها و دلایل طرفین

۱۶۰ مبحث اول - چکیده دیدگاه و دلایل دولت ایالات متحده آمریکا

۱۶۱ الف - استناد ایالات متحده به بیان ساده بیانیه و حقوق داخلی این کشور

۱۶۴ ب - عام و شامل بودن توافق طرفین، دلیلی دیگر

۱۶۶ ج - شواهدی بر صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف

۱۶۹ د - لزوم پیروی دیوان از نظریه تابعیت غالب

۱۷۲ مبحث دوم - چکیده دیدگاه و دلایل دولت جمهوری اسلامی ایران

۱۷۳ الف - حمایت سیاسی، مبنای عمل دیوان:

شواهدی از بیانیه‌ها

۱۷۳ ۱- ماهیت بین المللی دیوان

۱۷۴ ۲- شرایط کلی بیانیه حل و فصل دعاوی

۱۷۵ ۳- مضمون بیانیه‌ها

۱۷۷ ۴- اجرای احکام

۱۷۷ ۵- قطعی بودن احکام دیوان

ب - مردود بودن استناد به حقوق داخلی، برای حل یک مسأله حقوق بین الملل ۱۷۹

ج - شیوه‌های معمول تفسیر معاهدات، در موارد ابهام ۱۸۱

- ۱- تفسیر مضیق شروطی که دولتی را به صلاحیت یک دیوان بین‌المللی ۱۸۳
ارجاع می‌کند
- ۲- اصل تفسیر متن مبهم به ضرر نویسنده آن ۱۸۴
- ۳- غیرقابل استناد بودن قاعده «اثر مفید» ۱۸۵
- د - عدم تعلق اراده مشترک طرفین به دعاوی اتباع مضاعف؛ قابل استناد بودن دلایل دولت ایالات متحده علیه آن دولت ۱۸۵
- ه - ضرورت تأثیرناپذیری دیوان از تصمیمات محاکم داخلی آمریکا؛ ۱۸۷
تحریر برخی حقایق در تذکاره ایالات متحده
- و - برخی نکات دیگر در تذکاره جمهوری اسلامی ایران ۱۸۹
- بخش دوم - گذری بر تصمیم دیوان، و نقد مختصر آن ۱۹۱**
- مبحث اول - خلاصه آرای شعبه دوم و هیئت عمومی دیوان، و نقد مختصر آن آراء ۱۹۴
- الف - آرای شعبه دوم و هیئت عمومی دیوان ۱۹۴
- ب - نقد مختصر آرای دیوان ۲۰۰
- ۱- وظیفه دیوان با توجه به عامل بوجود آورنده آن ۲۰۰
- ۲- تفسیر بیانیه ۲۰۱
- ۳- سوابق بین‌المللی قضیه ۲۰۵
- ۴- ترسیم نادرست نقش دیوان ۲۰۷
- ۵- بین‌المللی و بین‌الدولی بودن دیوان ۲۰۸
- ۶- خطای دیوان در نفی حمایت سیاسی ۲۰۹
- ۷- خطایی دیگر: تفکیک میان «حمایت سیاسی» و «حمایت از دعاوی» ۲۱۶
- ۸- تجاوز دیوان از حدود اختیارات ۲۱۷
- ۹- استنتاج نادرست از رأی «نوته بوم» ۲۱۸
- ۱۰- تلفیق موادی با قلمروهای متفاوت ۲۱۹

۲۲۱	۱۱- غیر قابل استناد بودن تابعیت آمریکایی خواهان ها علیه ایران
۲۲۳	مبحث دوم - اخطار مهم دیوان و مواضع طرفین در قبال آن
۲۲۴	الف - تذکاریه خواهان های دارای تابعیت مضاعف
۲۳۰	ب - ردی بر ادعاهای «ایالات متحده» در تذکاریه خواهان های دارای تابعیت مضاعف: موضع جمهوری اسلامی ایران
۲۳۰	۱- کلیات
۲۳۸	۲- رد ادعاها و ایرادات در رابطه با قوانین ایران
۲۴۵	۳- استناد به اصل اول
۲۵۳	۴- اصل منع سوء استفاده از حق
۲۵۸	۵- اصل حسن نیت
۲۶۰	۶- توسل به «انصاف»
۲۶۳	مبحث سوم - نمونه هایی از استدلال شعب دیوان در پرونده های اتباع مضاعف
۲۸۰	نتیجه
۲۹۱	فهرست مراجع

بسم الله الرحمن الرحيم

**عنوان پایان نامه : تابعیت مضاعف در دیوان داوری دعاوی
ایران - ایالات متحده**

استاد راهنما : آقای دکتر حمید بهرامی احمدی

**اساتید مشاور : آقای دکتر جعفر نیاکی
آقای دکتر محمد جواد صفار**

نگارنده : بابک فرهنگی (۱۱۳۰۱۳۰۶۲۳)

صلاحیت دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده در خصوص استماع و رسیدگی به آن دسته از دعاوی که توسط اشخاص حقیقی (مدعی) دارا بودن تابعیت ایالات متحده (که اولاً و بالذات تبعه دولت ایران می باشند) علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و نهادهای وابسته بدان در دیوان فوق الذکر ثبت و اقامه شده اند، موضوع اصلی بحث رادر این پایان نامه تشکیل می دهد.

نگارنده با در پیش گرفتن روش تحقیق کتابخانه ای و با مراجعه به منابعی همچون لوایح (تذکاریه های) دولتین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، نظرات مشاوران حقوقی دو دولت، شماری از کتب که در زمینه حقوق بین الملل (خصوصی و عمومی) به رشته تحریر در آمده اند، و تعدادی از مقالات و متون پژوهشی صاحب نظران ایرانی و خارجی، پایان نامه خود را در دو فصل تدوین نموده است.

در فصل نخست مباحث پدیده تابعیت مضاعف، عوامل ایجاد آن، و برخی شیوه های عملی و نظری رفع تعارض تابعیت های یک فرد که توسط دولتها، محاکم، و مراجعه داوری مدنظر و مورد تبعیت قرار گرفته اند، مطرح شده است. از میان نظریه های

مزبور دو نظریه مورد توجه خاص واقع شده اند : نظریه (اصل) عدم مسئولیت دولت در قبال دعاوی (بین المللی) اتباع خود، و نظریه تابعیت غالب. اولی، به گواهی آرای متعددی که از مراجع بین المللی صادر شده است و نیز رویه شماری از دولتها در روابط بین المللی خود، اصلی تثبیت شده بوده و از جمله مستندات اساسی لوائح تقدیمی دولت جمهوری اسلامی ایران به دیوان در رد قابل طرح بودن دعاوی اتباع يك دولت علیه دولت متبوع خود در يك مرجع بین المللی می باشد. نظریه دوم را، که نمایندگان دولت آمریکا در دیوان بر تثبیت شدن آن و تحت الشعاع قرارگرفتن اصل عدم مسئولیت پافشاری نموده اند، نیز ظاهر آراء و رویه هایی حمایت میکنند، در بخشهای پایان فصل اول نگارنده، در حد بضاعت و منابع محدود، به بررسی آراء و رویه های هرکدام از دو نظریه یادشده پرداخته است.

فصل دوم پایان نامه با مقدمه ای درباره روند حوادثی که به امضا بیانیه های الجزایر و تشکیل دیوان داورى ایران - ایالات متحده انجامید آغاز میشود، و چکیده ای از نکات اساسی مورد استناد دولت جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده در تذکاریه های خود، خلاصه ای از براهین دیوان در پرونده های ادعای ناصر اصفهانیان علیه بانک تجارت پرونده الف - ۱۸ مبنی بر اعلام صلاحیت برای استماع دعاوی اتباع مضاعف بطور مقید، و نیز نقد آرای مزبور را در بر می گیرد. نگارنده در ادامه این فصل تلاش نموده تا با استفاده از مقالات و نظریه های مشاوران حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران در دیوان، اخطار مهمی را که دیوان در پایان هر دو رأی خود متذکر شده و از اهمیتی فراوان برخوردار میباشد تشریح نماید. در پایان فصل دوم، جستارهایی از آرای شعب مختلف دیوان در ارتباط با دعاوی اتباع مضاعف دو دولت ارائه شده است.

باتقدیم احترام

بابك فرهنگي

خلاصة الأطروحة

مناقشة الاختصاص القانوني لإم محكمة مطالبات ايران - الولايات المتحدة، بشأن الدعاوى المرفوعة امامها من قبل اناس يحملون الجنسية الاميركية (بزعمهم)، وهم حملة الجنسية الايرانية مبدئياً، هي المهمة الاساسية لهذه الأطروحة. قد تمّ تدوين هذه الأطروحة بعد دراسة المؤلف لبعض اوراق الدعوى المرفوعة امام المحكمة من قبل المطالبين بتعويضات من الدولة الاسلامية والدوائر التابعة لها، واللوائح الجوابية للمشار اليها مؤخراً، اضافة الى اللوائح المتبادلة بين الحضور، ورؤى وفتاوى علماء قانون و حجج محامى ومستشارى الحضور.

عمد المؤلف الى جعل اطروحته مقسماً الى فصلين رئيسيين؛ فالفصل الاول يشتمل على مناقشة المواضيع التالية:

تبيين ظاهرة الجنسية المزدوجة، الظروف التي تنتج عنها هذه الظاهرة، بعض الأساليب او المناهج التي تتبناها الحكومات او مجالس التحكيم او محاكم المطالبات الدولية لعلاج المشاكل والتبعات الناجمة عن ظاهرة الجنسية المزدوجة.

وقد حظى منهجان او نظريتان من جملة تلك المناهج بعناية بالغة من قبل المحاكم او مجالس التحكيم (الدولية)، الا وهما «نظرية الجنسية الغالبة او الواقعية»، و «نظرية او اصل انعدام مسؤولية الدولة حيال شكاوى حاملي جنسيتها» التي تقرّ للدولة ذات السيادة حصانة حيال الشكاوى التي يرفعها ضدّها حاملو جنسية تلك الدولة امام المحاكم الدولية. النظرية الاخيرة، التي اصبحت اصلاً معترفاً به على الصعيد الدولي يدعمها الكثير من قرارات المحاكم ومجالس التحكيم الدولية ورؤى فقهاء القانون الدولي منذ قرن التاسع عشر الميلادي، تنبّتها الجمهورية الاسلامية فى لوائحها الجوابية ومذكراتها التي رفعتها الى محكمة مطالبات ايران - الولايات المتحدة رافضة أهلية شكاوى حاملي جنسيتها لأن ترفع أمام محكمة (لاهاي) واختصاص تلك المحكمة لأن تسمع او تنظر فى الدعاوى التي يرفعها حاملو الجنسية الايرانية ضد الحكومة الايرانية والدوائر التابعة لها. أمّا النظرية الاولى، وهي «نظرية الجنسية الغالبة او الواقعية» والتي كان ممثلو الولايات المتحدة فى المحكمة يشدّدون عليها حرصاً منهم على اقرار اختصاص المحكمة لتلك الدعاوى، فلا يدعمها الاقرارات شاذة ومنعزلة لبعض المحاكم صدرت تحت ظروف خاصة. وقد جرى عرض نماذج عن قرارات المحاكم ومجالس التحكيم (الدولية) التي تدعم كلاً من النظريتين ضمن الفصل الاول ايضاً.

الفصل الثانى للاطروحة يبدأ بتقرير موجز عن ظروف مدهامة الطلبة السائرين على نهج الامام الخمينى للوكر التجسسى الامريكى (السفارة الامريكى) بطهران وسيطرتهم عليها والتطورات التي اسفرت اخيراً عن توقيع «اعلانات الجزائر» بين ممثلى جمهورية ايران الاسلامية والولايات المتحدة الامريكى، والتي تحتوى على شروط اتفاق ايران والولايات المتحدة حول انشاء آلية تحكيم دولية تقوم بالبتّ فى مطالبات كل دولة من الاخرى، ومطالبات أتباع كل دولة من الاخرى، اضافة الى بنود تتعلق بتنفيذ قرارات المحكمة وفتح أرصدة بنكية من اجله، وبنود اخرى.

يشتمل الفصل الثانى ايضاً على الوجيز من الاحتجاجات (الحجج) المبدئية لكل من الجمهورية الاسلامية فى ايران والولايات المتحدة الاميركية فى مذكراتهما بشأن الاختصاص القانونى المحكمة فى قضية مطالبات الحاملين لجنسية كلا البلدين، كما يشتمل على خلاصة من مستندات وبراهين المحكمة فى قضيتين «ناصر اصفهانىان ضد بنك التجارة» و «آ/١٨». قد حاول المؤلف فى هذا الفصل ايضاً ان يلتقى الضوء على «التنبيه الهام» الذى اورده المحكمة فى قراراتها بشأن القضيتين، والذى يمكن اعتباره شرطاً او تكييفاً لاختصاص المحكمة فى قضية مطالبات الاشخاص الطبيعيين الحاملين للجنسية المزدوجة؛ وقد اعتمد المؤلف فى محاولته تلك على المقالات والاستشارات والعروض التحريرية لاساتذة القانون الدولي ومستشارى الحكومة الايرانية (القانونيين). و يجد القارى فى نهاية الفصل الثانى مختارات من قرارات شعب المحكمة فى عدد من قضايا مطالبات الحاملين للجنسية المزدوجة.

وتقبلوا خالص تحيات المؤلف

IN THE NAME OF GOD

A SUMMARY OF THE THESIS

**TITLE OF THE THESIS : DUAL NATIONALITY BEFORE THE
IRAN UNITED STATES CLAIMS
TRIBUNAL.**

**INSTRUCTOR : DR. H. BAHRAMI AHMADI
DR. J. NIAKI**

BOARD MEMBERS DR. M.J. SAFFAR

AUTHOR : B. FARHANGI (623130114)

The competency / non-competency of the Iran / United States Claims Tribunal to hear and investigate claims of real persons alleging American Nationality (while possessing , originally and naturally, Iranian Nationality) against the I.R. Iran and / or its related organizations is the main subject of this thesis.

The author has prepared this thesis, after studies and researches made in the petitions of the claimants and the replies of the defendants, the various statements interchanged between the two sides, the legal opinions of the counsels and law professors, on the subject, in two parts.

In the first part, the following subjects have been discussed and deliberated : the definition and formation of Dual Nationality, the factors of its formation, and some of the Theoretical & Practical opinions and procedures adopted through the settlement of dual nationality cases in courts or arbitration proceedings. As from the various opinions, two main views have specially been attended to. Firstly, the principle of non-responsibility of a sovereign state against the claim raised by its National before foreign and/or international tribunals, and secondly the theory of dominant or effective nationality. The first one being, as per the various awards and opinions given by International Tribunals and

authorities, also according to the practice of many governments in their international relations, well established, had been the main arguments of the I.R. Iran in its replies and memorials to the tribunal rejecting the admissibility of the claims of its nationals before the tribunal.

The second view vigorously argued by the United States to prevail over the principle of non-responsibility is supported by some law scholars and accepted in some awards and procedures of a few courts and tribunals. In the final section of the first part the author has, taking the limited accessible sources into consideration, reviewed the awards and procedures supporting each of the two principle.

The second part of this thesis begins with an introduction about the events which resulted in the signing of the "Algiers Declarations " by the representatives of the Islamic Republic of Iran and the United States of America. It proceeds with a resume of the basic arguments of Iran and U.S. presented in their various statements and briefs filed with the Tribunal to defend their positions. Also a summary of the holdings and reasonings of the Tribunal in its awards concerning the case of Nasser Esfahanian V. Bank Tejarat and the A/18 case, in which the Tribunal confirmed its conditional competence to hear the claims of dual nationals. The second part also covers the author's brief reviewing and deliberating the awards issued by the Tribunal in this regard. By reviewing the articles, opinions, and counsel rendered by prominent legal advisers of the Islamic Republic of Iran in cases regarding the claims of 'dual nationals' , the author has also tried to shed light on the "Important Caveats" that the Tribunal has mentioned (introduced) at the end of both of the aforementioned awards.; Concluding the second part of the thesis, are excerpts from a number of the awards of the Tribunal Chambers in the 'dual nationality' cases.

Respectfully submitted

Babak Farhangi

با نام و یاد خداوند متعال و استعانت از او

مقدمه

«تابعیت» هر چند اصطلاحی است نه چندان قدیمی در میان واژگان علم حقوق، اما مفهوم آن از دیرباز با تشکیل نخستین تجمع‌های بشری بر روی کرهٔ خاکی وجود داشته است. هر کجا که قبیله، طایفه، دهکده، یا شهری با «رییس» یا «حاکم» وجود داشته، «رعایا»یی هم بوده‌اند که متناسب با شرایط زمانی و میزان پیشرفت آن «جامعه» از نظر فرهنگ و آداب و رسوم، از حقوقی بهره‌مند شده و نیز در قبال «رییس»، «حاکم»، و بالاخره «دولت» وظایف و تکالیفی را بر عهده داشته‌اند. مهم‌ترین این وظایف، وفاداری به فرمانروا و جامعه‌ای که در آن می‌زیسته‌اند و اطاعت از مقررات آن جامعه بوده است. کسانی که پنهانی با قبیله و یا حاکمی دیگر پیمان وفاداری می‌بسته‌اند، و یا با قوانین و نظم عمومی به مخالفت برمی‌خاستند، به کیفرهایی بسیار سخت و دهشتناک محکوم می‌شده‌اند. وضعیت فرد به عنوان «رعیت» یک حاکم، حقوق و مزایای مشخصی را در محدودهٔ جامعه‌ای که در آن می‌زیسته‌اند برای وی فراهم آورده که «بیگانگان» از چنین حقوق و مزایایی بی‌بهره بوده و یا به صورت محدود، مشروط، و مقید بهره‌مند می‌شدند. هر فرمانروا و حاکمی از «رعایا»ی خود در مقابل تعدی حکام و رؤسای دیگر و رعایای ایشان حمایت به عمل می‌آورده، و گاه حمایت از افراد تا بدانجا پیش می‌رفته که به جنگ‌های خونین میان قبایل، و یا دهکده‌ها، یا دولت‌شهرها می‌انجامیده است.

تغییر و تحول در وضعیت و شرایط حکومت‌ها در پهنهٔ قارهٔ اروپا در قرن هیجدهم میلادی، پیدایش مرزها و حکومت‌های مجزا و مستقل و... اصطلاحاتی مانند «تابعیت»، «تبعه»، و «دولت متبوع» را اندک‌اندک جایگزین الفاظ «رعیت» و «حاکم» نمود؛ اما در عین حال، بسیاری